



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت‌وگوی صبا با سید «محمد خالقی»، کارگردان نمایش «مثل ساحل آرام» ترجیح دادم مخاطب با واقعیت روبه‌رو شود

احمد رضا حجاززاده
گفت و گو

سید «محمد خالقی» از کارگردان‌های خوب و گزیده کار تئاتر است که این روزها نمایشی را با عنوان «مثل ساحل آرام» به نویسندگی لیلا احمدوند در سالن انتظامی خانه هنرمندان ایران روی صحنه برده است. خالقی پیش از این نمایش‌های «چرانمی شناسیم؟»، «صدلی خالی»، «ویز و نویز» و «تنها اتاق آیات زخم را می‌خواند» را کارگردانی و اجرا کرده است. او همچنین چند اجراء در جشنواره‌های استانی داشته و پنج دوره در جشنواره ایثار، دوازده دوره در جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای فجر و دو دوره در جشنواره بسیج هنرمندان شرکت کرده است. نمایش «مثل ساحل آرام»، ماجرای مادر و دختری است که با یکدیگر زندگی می‌کنند و جزو خانواده شهیدند. دختر به شعر علاقه‌مند است و مادر دختر را تحت فشار قرار می‌دهد تا حفظ کردن شعرها را کنار بگذارد و به دروس مدرسه بپردازد اما کم‌کم مادر هم به شعرهایی که دختر می‌خواند، علاقه‌مند می‌شود؛ به بهانه اجرای این نمایش، با محمد خالقی گپ و گفتی داشتیم.

نمایشنامه «مثل ساحل آرام» چطور به دست تان رسید؟ آیا متن چاپ شده بود یا شما به نویسنده سفارش دادید؟
نه متن چاپ شده نبود، بلکه سفارش من به نویسنده بود. با توجه به این که من اکثر متن‌های خانم احمدوند را کار می‌کنم، وقتی این ایده به ذهنم رسید، ایشان لطف کردند و تاجایی که توانستند، متن را نوشتند.

در اجرای متن، چه رویکرد و دغدغه‌ای نسبت به آن داشتید؟
در شروع کار، دغدغه اصلی من انتخاب بازیگر بود. همیشه به سختی می‌توانم با هر بازیگری کنار بیایم، چون فکر می‌کنم بازیگر هم باید دغدغه آن ایده و ذهن من را درک بکند.

برای تمرین و تولید نمایش، چه قدر به متن اصلی وفادار بودید؟
با کسب اجازه از نویسنده متن، تغییرات زیادی داشتیم و بیشتر صحنه‌های ابداعی و نو در نمایش به کار بردیم.

«مثل ساحل آرام» زمان و ریتم درستی دارد. بازی‌ها و انتخاب موسیقی‌ها فوق‌العاده‌اند و همه چیز در نمایش، نشان از یک کارگردانی حساب شده دارد. آیا در برخورد اول با متن به تمام این لحظه‌ها در اجرا فکر کرده بودید یا حین تمرین‌ها به

ایده‌های کارگردانی و شکل‌گیری متن رسیدید؟
نه، چون از اول با متن ارتباط برقرار کردم، حین تمرینات بیشتر لحظه‌ها را ساختم و موسیقی آن را انتخاب کردم.

اجرای شما ترکیبی از رنال و سوررئال است. این شیوه در متن نویسنده اعمال شده بود یا ایده شما بود که به عنوان کارگردان، نمایش را در دو فضای متفاوت اما هماهنگ با هم کار کنید؟
ببینید، هم من و هم نویسنده، چون با هم زیاد کار کردیم و اکثر کارهای قبلی من هم چنین تم‌هایی داشت و تلفیقی از رنال و سوررئال بودند، در این کار هم، ایده‌ها از طرف نویسنده و کارگردان به طور مشترک شکل گرفت.

بازیگران نمایش چطور و بر چه مبنایی انتخاب شدند؟ در طول تمرین‌ها چه تعاملی با بازیگران داشتید تا به نقش برسند و این قدر خوب و پراحساس نقش خود را روی صحنه بیاورند؟
همان طور که پیشتر گفتم، من در انتخاب بازیگر خیلی سختگیرم و انتخاب بازیگر واقعاً شاید نزدیک به یک ماه طول کشید تا بازیگران نهایی شدند و البته هر دو بازیگر خیلی خوب بودند و در جشنواره هم جایزه بازیگری دوم مشترک گرفتند.

طراحی صحنه «مثل ساحل آرام» از نقاط قوت کار است. صحنه در عین سادگی و خلوت بودن، گویای فضای نمایش و حس و حال قصه است. بخصوص تصویر دریا در ویدیو به فضا سازی کار خیلی کمک کرده. چطور به چنین ایده‌ای در طراحی صحنه رسیدید؟ استفاده از ماهی‌های آویخته از سقف هم جالب است اما به نظرم بوی ماهی‌های مرده و همین‌طور بوی تنباکوی قلیان، تماشاگر را کمی اذیت می‌کند! آیا فقط می‌خواستید با استفاده از بوهای واقعی، حس زندگی در جنوب را به تماشاگر منتقل بکنید؟

بله، واقعیت همین است، چون می‌خواستیم با بوی ماهی و در کنار ساحل، واقعاً به آن برسیم و می‌دانستم که بوی ماهی شاید مخاطب را اذیت بکند، ولی ترجیح دادم مخاطب با واقعیت روبه‌رو بشود.

در نمایشنامه، پدر شهید شده اما در اجرا به این موضوع اشاره مستقیمی نمی‌شود و شخصیت‌ها فقط از غواص بودن پدر حرف می‌زنند. در اجرای فعلی شما، تماشاگر چگونه باید به

ماجرای شهادت نمایش پی ببرد؟!

در واقعیت قصه، پدر شهید شده و در اجرای جشنواره هم همان‌هایی از جنگ و شهادت داشتیم، ولی چون کار را برای اجرای عمومی تغییر دادیم، برخی از المان‌های شهید و شهادت و دیالوگ‌های متن را حذف کردیم.

به عنوان کارگردان آیا از آن چه روی صحنه رفته، راضی هستید؟

خودم به شخصه متن، بازی بازیگران و کلیت کار را خیلی دوست دارم، حتی در پایان بعضی از اجراها، اشکم سرازیر می‌شود. باید بگویم من این نمایش را خیلی دوست دارم.

آیا برای اجرای این کار با مشکل یا موانع خاصی روبه‌رو بودید یا نمایش در شرایط امن و آرامی تولید شد؟

خدا را شکر کار در محیطی امن، دوستانه و بدون حاشیه جمع شد و از این بابت خیلی خوشحالم.

خوشبختانه نمایش شما از تهیه‌کننده بر خوردار است. آیا حضور تهیه‌کننده در تولید اجرا، تأثیری بر روند و کیفیت نمایش داشت؟

بله، سامان خلیلیان عزیز از دوستان من هستند و به ما افتخار دادند و مسئولیت تهیه‌کنندگی این نمایش را پذیرفتند. ایشان همیشه حامی ما بودند.

نمایش «مثل ساحل آرام» را از ابتدا برای سالن انتظامی آماده کرده بودید؟ یا توجه به موضوع نمایش، شاید اگر در یک سالن دولتی اجرا می‌رفتید، بهتر بود!

بله، از ابتدا قرار بود این نمایش را در سالن استاد انتظامی اجرا کنیم. البته دوست دارم در سالن‌های دولتی هم اجرا برویم، ولی هنوز موفق نشدیم.

در پایان اگر حرف ناگفته‌ای مانده، بفرمایید.

در پایان باید بگویم این نمایش خاطره‌های تلخ و شیرین زیاد برای من داشت. امیدوارم این کار بتواند به حشش برسد و بیشتر دیده بشود. از بازیگران عزیزم و عوامل فنی کار، آروین شاه‌حسینی عزیز و همه منتقدان و اصحاب رسانه که منت گذاشتند و نمایش ما را دیدند، کمال تشکر دارم.

